

انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه شیراز
شماره مجوز
۲۴۷/کنش

ارگان رسمی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز :: سال دهم :: شماره ۷۱ :: شهریور ۱۴۰۱

پایبند

امام‌خبینی: ماملومین همیشه تاریخ، محرومان و پابرهنگانیم ما غیر از خدا کسی را نداریم

مدت زمان
تقریبی مطالعه
نشریه:
۱۶ دقیقه



صفحه ۲

قرار عاشقی

در این شماره می‌خوانید:

الگوی حکمرانی در ایران
دومینوی اجتماعی
معرفی کتاب

و...

ابراهیم غمخوار

مدیر مسئول نشریه پابرهنگه
دانشجوی کارشناسی حقوق

کد مطلب: ۱



نقش آفرینی نشریات دانشجویی

بعد از آمدن کرونا و بسته شدن فضای حضوری دانشگاه‌ها، نقش فعالیت دانشجویی که نشریات هم جزئی از آن هست کم شد، اما اینکه جریان یا تفکر خاصی بخواهد اینطور جلوه دهد که نشریات، دیگر نقشی در فضای دانشگاهی ندارد، حرفی باطل است.

در مورد فضای نشریات در دانشگاه دو دیدگاه اصلی وجود دارد؛ دیدگاه اول معتقد است، که در نشریات باید کار علمی شود و تز علمی بدهیم و اصولاً سراغ حاشیه‌ها که سیاست را هم جزئی از آن می‌دانند نرویم. دلیلی هم که می‌آورند این هست که اصولاً مخاطب برای یافتن مطلب مورد نیاز خود سراغ نشریات دانشجویی نمی‌رود مگر اینکه آن نشریه دارای یک بیس علمی باشد و از مقالات سطح بالایی برخوردار باشد و اگر این مهم را در خود نداشته باشد مخاطب برای یافتن اطلاعات مورد نیاز خود به سراغ منبع دیگری می‌رود.

این انتقاد مطروحه باید جدی گرفته شود و مورد کنکاش قرار بدهیم وگرنه اعتبار نشریات دانشجویی به کلی زیر سوال می‌رود.

در پاسخ به این انتقاد باید گفت که فلسفه وجودی نشریات دانشجویی در ابتدا به هیچ وجه تولید علم یا فرانس قرار گرفتن موضوع خاصی نبوده بلکه، ماهیت اصلی نشریات برای ایجاد محفلی است جهت آموختن کار گروهی، نوشتن و گفت و گو و در مراحل بعدی پیگیری مطالبات دانشجویی.

دیدگاه دوم معتقد است که نویسندگان ایده‌ای در ذهن خود دارد چه خرد چه کلان فرقی نمی‌کند، حال یا سطح ایده پایین هست یا خود نویسندگان جرئت ابراز آن را ندارد. نشریات دانشجویی این بستر را فراهم

می‌کند تا شجاعت ابراز فرضیه‌های ذهنی خود را به صورت مکتوب پیدا کنند.

یادگیری چگونگی ابراز دیدگاه خود و مطالبات سایر دانشجویها مهارت مهمی هست که در نشریات، این انگیزه و بستر برای دانشجویان فراهم می‌شود تا در جهت پیش برد اهداف خود در دانشگاه استفاده کنند.

علاوه بر نویسندگان، خوانندگان مطالب، از این فرصت به وجود آمده بی‌نصیب نخواهند بود چرا که بر خلاف مجلات تخصصی که با مطالب مبهم و نا مفهوم، در ظاهر اولیه، روبه رو هستند، در اینجا با مطالبی مواجه می‌شوند که درک بهتری از آن دارند و دغدغه به‌روز آن‌ها را بیان می‌کند و می‌توانند با نویسندگان مطالب به گفت و گو بنشینند.

نکته‌ای مهم در کالبد نشریات این هست که به دلیل روند صفر تا صدی که به دست دانشجویان مدیریت می‌شود یک هویت مستقل دارد و محتوای درونش از دل دانشجویان می‌جوشد؛ اگر بگوییم یک تریبون خالص دانشجویی هست، گزاف نیست. البته باید سعی شود این هویت مستقل حفظ گردد تا مطالبات دانشجویها نیز از کانال صحیح خود انجام گیرد.

در مورد نقش تشکله‌ها در حفظ جایگاه نشریات، جدا از اختلاف سلیقه و تفاوت مبنایی که با هم دارند، باید سعی کنند این ویژگی مشترک نشریه دانشجویی که برای همه مفید هست را حفظ نموده و در ارتقای آن بکوشند. که این مورد نیز می‌تواند سبب هم‌افزایی بین تشکله‌ها گردد. با این نوع نگاه نشریه به صورت زنجیره‌ای متصل است که هر حلقه آن، دانشجوی را به چیزی متصل می‌کند و سبب ارتقای فضای دانشجویی می‌شود.

نشریه می‌تواند به یک ابزار آموزش برای هر تشکل تبدیل شود تا در آن، آرمان و اهداف خودشان را به صورت سلسله مطالب منتشر کنند؛ با این روش

شما مخاطبینی را جذب می‌کنید که در مرحله اول نسبت به شما نگاه مثبتی نداشتند و مدام فاصله‌شان را با شما حفظ می‌کردند اما از طریق نشریه شما پیام خودتان را به آن‌ها می‌رسانید و نوع واکنش‌ها دچار تغییر می‌شود.

نوع سیاست گذاری‌ها در حوزه نشریات نباید فقط به دامنه دانشگاه منطبق شود، شما می‌توانید یک چالش یا معضل که جزو مشکلات اساسی جامعه امروزی هست را در نشریه مطرح کنید و در ادامه سعی کنید برای آن ارائه راه حل دهید. باید نوع نگاه آتی ما در نشریه به این صورت رود که باری از روی جامعه برداریم، خواه چه جامعه دانشگاهی باشد چه جوامع بشری. با این کار به مرور به جریان‌سازی می‌رسید؛ همان آرزوی دیرین هر دانشجوی دغدغه‌مند. چرا که اولین رکن تاثیرگذاری بر اتفاقات آینده قدرت جریان سازی است. یکی از دلایلی که ممکن از دانشجوی جدی گرفته نشود و صرفاً از آن استفاده ابزاری و نمایشی شود، همین عدم قدرت به راه انداختن یک جریان است که البته این مهم هم یک پیش زمینه‌هایی دارد مثل، تاثیرگذاری بر افکار مردم تا دوباره دانشجوی به ریل اصلی و جایگاه واقعی خودش برگردد و به عنوان نخبگان جامعه توان اصلاح امور را پیدا کنند.

همه این مواردی که در بالا اشاره شد را شاید نتوان با نشریه پیش برد اما بخش عظیمی از آن را می‌توان در نشریات دانشجویی اجرایی کرد. باید از قلم در دست دانشجوی به مثابه یک ابزار قدرت یاد شود تا انگیزه شروع بسیاری از کارهای بزرگ تر به وجود آید.

در پایان باید اشاره کرد که یکی از عواملی که نشریات را از انزوا و رخوت نجات می‌دهد همین جریان سازی فکری است که می‌تواند بستر بسیاری از کارهای بزرگ تر را نیز رقم بزند.

سیده زهرا سعادت

دبیر واحد آموزش انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز
دانشجو کارشناسی ارشد فیزیک اپتیک و لیزر

کد مطلب: ۲

قرار عاشقی...

چند روز از چهل‌ه‌ی زیارت عاشورا می‌گذرد. به رسم روزهای طی شده، بعد از نماز صبح شروع می‌کنم به خواندن: «السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ... لَقَدْ عَظَمْتَ الرَّزِيَّةَ وَجَلَّتْ وَعَظَمْتَ الْمُصِيبَةَ بِكَ... إِيَّيْ سَلَّمَ لِمَنْ سَأَلَكَ... بِأَيِّ أَنْتَ وَأَمِّي...» می‌خوانم و حواسم گاهی جمع و گاهی پرت است. از دریای زیارت عاشورا بیرون می‌افتم و دوباره بر می‌گردم: «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكَ، وَمَعْرِفَةَ أَوْلِيَانِكَ، وَرَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَانِكَ...» ناگهان این قسمت توجهم را به خود جلب می‌کند! بر می‌گردم، و دوباره آن را می‌خوانم: «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكَ؛» با عربی دست و پا شکسته‌ای که از دوران دبیرستان در خاطرمان مانده، سعی می‌کنم عبارت را معنی کنم: «از خدایی که با معرفت شما مرا گرامی داشته، می‌خواهم...؟!» به ترجمه‌ی فارسی نگاه می‌کنم؛ درست است.

اما این جمله یعنی چه؟ کرامت انسان به چه معناست؟ بزرگ و ارزشمند بودنش؟ عزیز و محترم بودنش؟ خوب این‌ها به معرفت نسبت به امام حسین (ع) و اهل بیت (ع) چه ارتباطی دارد؟ می‌دانم که خدا، اهل بیت (ع) و امام حسین (ع) را خیلی دوست دارد. پس یعنی چون من برای خدا ارزشمند بوده‌ام، او معرفت و شناخت آن‌هایی را که عزیزترین‌هایش هستند، به من ارزانی داشته؟ یا شاید هم به این معنی باشد که پس از آنکه من، اهل بیت و حسین (ع) را شناختم و عشق و محبت ایشان در دلم ریشه دواند، آنگاه ارزش و جایگاه حقیقی خود را یافته‌ام و

به معنی واقعی عزیز و محترم شده‌ام! هر کدام باشد، خیلی لذت‌بخش است. بادم می‌افتد به آیه‌ی «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...»؛ و انگار خدا با قرار دادن عشق ابا عبدالله در دل فرزندان آدم، به آن‌ها کرامت بخشیده.

به وجد آمده‌ام و حسی شیرین دارم. می‌روم سراغ ادامه‌ی فراز: «وَرَزَقْنَا الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَانِكُمْ». به ذهنم فشار می‌آورم تا بتوانم عبارت عربی را بفهمم: «و روزی داد مرا با برائت و بی‌زاری جستن از دشمنان شما!» به ترجمه‌ی من در آوردی خودم شک می‌کنم و باز هم ترجمه را نگاه می‌کنم: «و بی‌زاری از دشمنان شما را نصیب من کرد...».

دوباره بر می‌گردم و متن عربی را نگاه می‌کنم؛ و رزقی...! عبارت «رزق» بی‌دلیل اینجا نیامده؛ رزق...! مطلبی به ذهنم می‌رسد؛ فکر کنم در یکی از خطبه‌های نهج‌البلاغه بود که خواندم: «رزق انسان دو قسم است؛ رزقی که او تو را می‌جوید و رزقی که تو او را می‌جویی». نمی‌دانم این رزق از کدام نوع است، او مرا می‌جوید یا من باید به دنبال او باشم.

و بادم می‌آید روزی از بزرگی شنیدم که «رزق هر کس را خدا معین کرده ولی آن شخص باید برای بدست آوردن روزی‌اش کمر همت ببندد و تلاش کند». یعنی اینکه ما از دشمنان امام حسین و اهل بیت (ع) بیزار باشیم را خدا رزق ما قرار داده، رزقی که بالقوه برای همه‌ی ما تعریف شده، اما اینکه چقدر بالفعل شود تا از دشمنان ایشان دوری کنیم، به همت خودمان هم بستگی دارد. به تلاش و بصیرت خودمان است که بفهمیم در هر عصر، شرایط و زمان دشمن حسین علیه السلام کیست تا خدایی ناکرده به سمتش نرویم و با او

دوستی نکنیم. با همه‌ی این‌ها می‌دانم که حسین و عشقش در تشخیص راه از بی‌راه و در امان ماندن از فتنه‌ها یاری‌ام می‌دهند.

«أَنْ يُجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...»

متوجه نمی‌شوم این عبارت ادامه‌ی کدام جمله بود. بر می‌گردم به اول این قسمت: «فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكَ، وَمَعْرِفَةَ أَوْلِيَانِكَ، وَرَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَانِكَ، أَنْ يُجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...» چه جالب! یعنی از خدا می‌خواهم بعد از اینکه نسبت به اهل بیت و دوستان آن‌ها شناخت و معرفت پیدا کردم و همچنین رزق برائت و دوری از دشمنان آن‌ها نصیبم شد، مرا در دنیا و آخرت همراه ایشان ثابت قدم کند. پس یعنی هر لحظه ممکن است این معارف و توفیقات از من سلب شود و از همراهی و بودن در کنار حسین جا بمانم؟ خدا نکند روزی با اعمالم این اتفاق را رقم بزنم... یک چیز دیگر! معرفت نسبت به اهل بیت و نفرت و دوری از دشمنان‌شان انگار باید عنان بر عنان هم شوند تا من همیشه و قدم به قدم، استوار کنارشان بمانم.

– زهرا... زهرا... مگه نمی‌خواستی بری...!

به خودم می‌آیم و به ساعت نگاه می‌کنم. ظاهراً زمان هم با من در این دریای بی‌کران غرق شده. ادامه را با عجله می‌خوانم: «وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ...». باز هم فکر می‌کنم، اما سریع و بدون تمرکز: «باید همان دو همراه هم باشند تا به مقام بزرگی که می‌شود نزد خدا داشت، برسیم.»

«وَأَنْ يُرَفِّقَنِي طَلَبَ تَارِي مَعَ إِمَامٍ هَدَى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ بَيْنَكُمْ...»

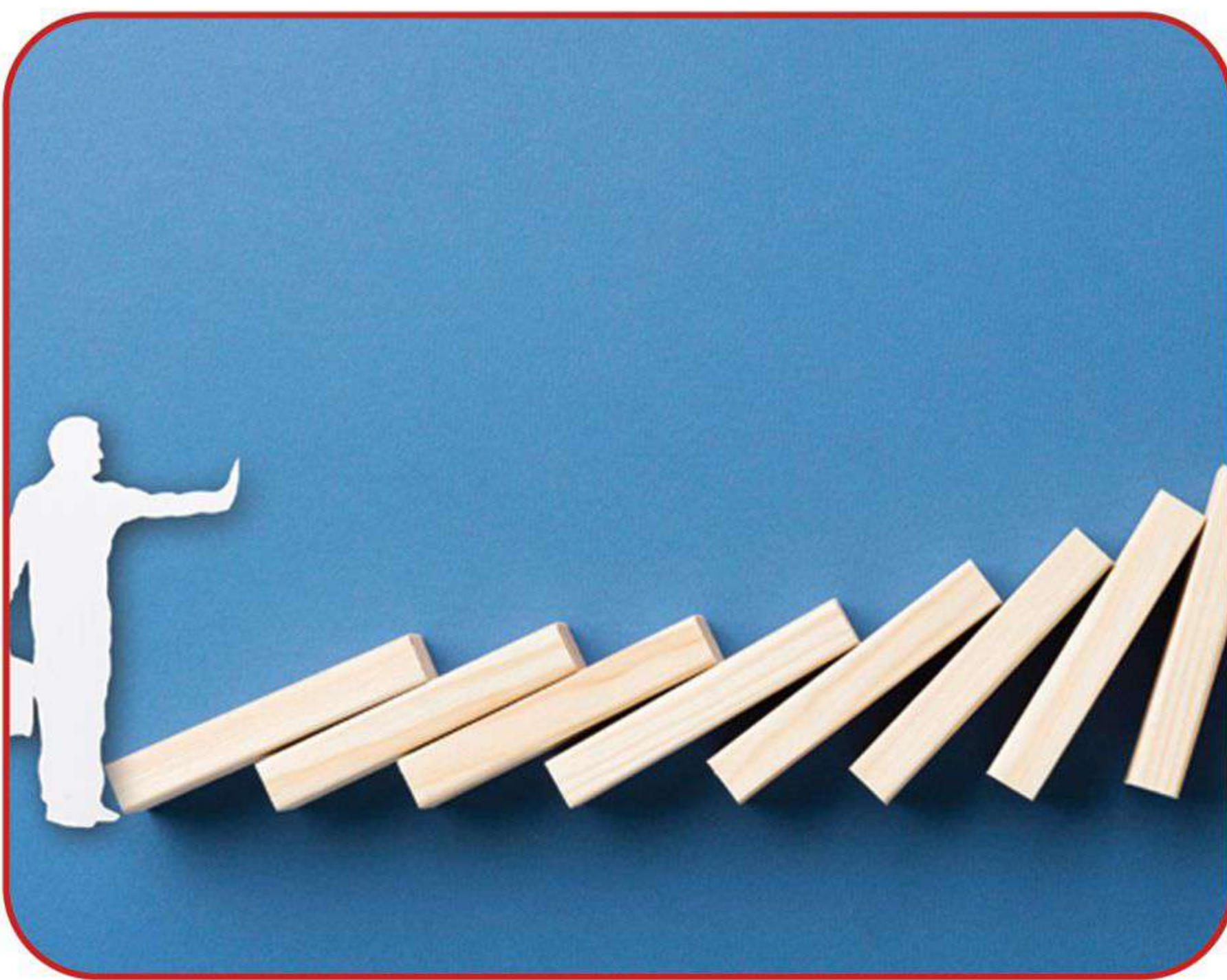
لطفا امتیاز خود به این مطلب را از ۱ (ضعیف ترین) تا ۵ (قوی ترین) به همراه کد مطلب به شماره ۰۹۱۷۲۲۵۲۵۶۶ ارسال فرمایید.

علیرضا زارع

دبیر انجمن اسلامی دانشجویان
دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر

کد مطلب: ۳

دومینوی اجتماعی



جامعه کنونی به دلیل خشم نهانی و آشفتگی اجتماعی حاصل از تنش‌های اقتصادی، قابلیت هضم معضلات و چالش‌های فرهنگی و اجتماعی را ندارد؛ به همین سبب کوچکترین تلنگر و یا رویدادی منجر به ایجاد نزاع گشته تا به نوعی فرونشست خشم نهانی و دستیابی به آرامش اجتماعی را بدنبال داشته باشد. اما سوال اینجاست که دلایل کاهش پتانسیل اجتماعی چیست؟ چه می‌شود که تنها مسیر رسیدن به آرامش اجتماعی و تخلیه خشم و انرژی روانی جامعه، اعتراضات مدنی در نقاط شهری است؟ آیا جلوگیری از تشکیل هسته‌های اعتراضی خیابانی، می‌تواند منجر به آرامش اجتماعی گردد؟

راهکارهای روان‌درمانی مدنی، از اولویت‌های پیش روست.

تلاش برای عدم شکل‌گیری اعتراضات آزاد خیابانی شاید تصمیمی عاقلانه به جهت مقابله با نفوذ و سوءاستفاده بدخواهان باشد، اما چنان گذشته که گفتیم، نبود قالب جایگزین برای بیان مطالبات عمومی آحاد جامعه، آسیب جدی تری بدنبال دارد. و شاهدیم که امروزه با روی آوردن به بستر جایگزین و تشکیل هسته‌های اعتراضی در بستر فضای مجازی و راه اندازی کمپین‌های مختلف، همان اعتراض خیابانی با چاشنی بیشتر و گاه با بولدسازی، شایعه‌پراکنی و برجسته‌سازی دور از واقعیت، شکل می‌گیرد. چه بسا آسیب روانی و اجتماعی بیشتری نیز بر بدنه حاکمیت و اعتماد عمومی وارد می‌سازد، بطوریکه اثرات مخرب آن زمینه‌ساز اعتراضات مجازی آتی به فاصله‌های نسبتاً نزدیک می‌گردد و منجر به تشکیل دومینوی اعتراضات صحیح یا ناصحیح مدنی می‌شود. و این خطر بسیار جدی پیش روی جامعه است، چرا که نه تنها آسیب حکومتی، بلکه آسیب اجتماعی مستقیم بر بدنه مردمی نیز دارد.

در پایان و به جهت اختصار کلام، امید آن داریم که جامعه دانشجویی با احیای مبانی، آرمان‌ها و نقش موثر خویش در حکمرانی اجتماعی و تقویت خودباوری و مقابله با آرمان‌زدایی‌ها، گامی درخور در جهت اعتلای ارزش‌های اصیل انقلاب برداشته و جنبش دانشجویی چنان که باید، ایفای نقش نماید.

لطفا امتیاز خود به این مطلب را از ۱ (ضعیف ترین) تا ۵ (قوی ترین) به همراه کد مطلب به شماره ۰۹۱۷۲۲۵۲۵۶۶ ارسال فرمایید.



محمد هادی رضوی
عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز
دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی

کد مطلب: ۴

حکمرانی در جمهوری اسلامی ایران

معادل واژه حکمرانی را میتوان Governance برداشت کرد که "حکم" با کلید واژه‌هایی مانند فرمان، قاعده، مقررات، نظام، تنظیم، قانون، نظم و یا چهار چوب ارتباط دارد و همچنین "راندن" به معنای اجرا، اعمال قدرت، پیش بردن، راهبری، اداره، هدایت و یا رهنمود و امثالهم می‌باشد.

بدون تردید یکی از موارد مشروعیت و مقبولیت هر حکومت و نظام سیاسی یک کشور، شیوه حکمرانی آن برای اداره جامعه خود می‌باشد؛ که در صورت رضایت مردم آن کشور از شیوه حکمرانی در مسائل اقتصادی، سیاسی و... می‌توان نتیجه گرفت که آن نظام سیاسی از شیوه حکمرانی مطلوبی برخوردار است. در سطح جامعه برای ارزیابی شیوه حکمرانی، بدون شک با مشخصه‌هایی مانند: رضایتمندی، عدالت گستری، مسئولیت پذیری، اثر بخشی و مهار فساد ارزیابی می‌شود. اگر ارتباط و تعامل متقابل بین دولت و جامعه وجود داشته باشد و همچنین برابری حقوقی و عدالت این حکمرانی و در کنار این موارد، شفافیت و مسئولیت پذیری وجود داشته باشد، حکمرانی خوب ارزیابی می‌شود (از انواع شیوه‌های پیاده سازی حکمرانی در جهان معاصر: حکمرانی خوب، متعالی، سالم و...)

سیاست در حکمرانی اسلامی

برای دریافت مفهوم آرمان‌های سیاست در حکمرانی اسلامی می‌بایست ابتدا مفاهیم اسلامی در باب سیاست را مطالعه کرد، که می‌توان دریافت تمامی مطالبی که در مقوله اجرای سیاست‌های اسلامی در جامعه را ارائه می‌دهد، امروزه در سیاست نوین جهانی در حال اجراست؛ برای مثال: دموکراسی، نفی نابرابری، توسعه و پیشرفت، مبارزه با فساد و...؛ این مفاهیم از گذشته‌های دور به نمایش همگان گذاشته شده است (از بدو پایه گذاری دین مبین اسلام).

ایران اسلامی نیز از زمان انقلاب، این مفاهیم را در قانون اساسی خود و یا سیاست‌های خرد و کلان خود گنجانده است، که بدون شک در مواردی می‌توان گفت به خوبی به آن‌ها عمل کرده و مواردی را نیز از آرمان‌های انقلاب و اسلام دور شده که نیازمند بازبینی در اجرای آن‌ها می‌باشد.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل آنکه در پایه گذاری حکومت اسلامی و نفی طاغوت و ظلم و ستم جلودار کشورهای جهان است، می‌بایست در اجرای سیاست‌های حکمرانی اسلامی نیز جلودار کشورهای جهان باشد تا بتواند نام ایران اسلامی را بر سر زبان‌ها بیاندازد و در شیوه‌های حکومت داری بر اساس مبانی اسلام الگو باشد.

اجتماع در حکمرانی اسلامی

در مطالعه تحولات اجتماعی، نقش دولت و گروه‌های اجتماعی اصلی و استقلال یا وابستگی و اتکا دولت نسبت به جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد. در این جهت کل نظام اجتماعی به دو حوزه دولت و غیر دولت تقسیم می‌شود، که حوزه دوم در شامل همه گروه‌های اجتماعی سازمان یافته و غیر سازمان یافته که تحت عنوان جامعه مدنی و بخش خصوصی نیز از آن یاد می‌شود. که این گفتمان شامل دیدگاه‌های:

جامعه فعال - دولت محدود: در این گفتمان معمولاً به دلیل محدودیت‌های کابردی دولت در اجتماع مردم در نارضایتی از عملکرد دولت قرار می‌گیرند و فشار اجتماعی بر دولت تحمیل می‌شود و همچنین بر تمرکز زدایی در همه حوزه‌ها تاکید دارد.

جامعه فعال - دولت فعال: این گفتمان بر استقلال نسبی و نقش بنیادین دولت نسبت به جامعه و روابط اجتماعی تاکید می‌شود. دولت با وسایل خود این کارویژه‌ها را انجام می‌دهد. در این گفتمان بر مسئولیت دولت در مقابل جامعه تاکید دارد و در صورت حرکت بر آورد کردن خواسته مردم، رضایتمندی اجتماع از شیوه حکمرانی را در پی خواهد داشت.

جامعه منفعل - دولت فعال: در این دیدگاه بدون شک دولت فعال و کارآمد بدون همراهی مردم نتیجه دلخواه را در پی نخواهد داشت.

در برهه‌های زمانی پس از انقلاب شاهد بر سر کار آمدن دولت‌های مختلفی بودیم که هر کدام تلاش داشتند علاوه بر عملکرد مثبت، مشارکت مردم را هم در سیاست‌های خود داشته باشند اما برخی در آن موفق نبودند و عده‌ای نیز مانند دولت شهید رجایی و... در بالاترین سطح از مردمی بودن قرار داشتند.

در پایان، تلاقی عملکرد مثبت دولت در شیوه حکمرانی متعالی که اشتراکی از حکمرانی همراه مبانی اسلامی می‌باشد، می‌تواند مفاهیم واقعی اسلام را در اجتماع اجرا کرده و سبب افزایش مشروعیت و مقبولیت مردم و سعادت دنیوی و اخروی نیز گردد.

● در حکمرانی سالم، معتقد است، پایه ریزی این شیوه از حکومت داری باید بر اساس آداب و رسوم و فرهنگ محلی هر کشور باید باشد. شایان ذکر است که برای تمامی پارامترها، رفاه حال مردم (اقتصادی، اجتماعی و...) از اهمیت قابل توجهی برخوردار است و می‌توان گفت که رکن اصلی حکمرانی موفق رفاه است.

● شیوه‌ای دیگر از حکمرانی وجود دارد که با نام حکمرانی متعالی در بین جامعه شناسان و سیاسیون شناخته شده است. این شیوه اداره حکومت معتقد است که سیاست اداره حکومت باید مبتنی بر یک نظام ارزشی الهی همچون اسلام باشد که برای رسیدن به سعادت اخروی و دنیوی مردم را کنترل کند:

● شیوه‌ای دیگر از حکمرانی وجود دارد که با نام حکمرانی متعالی در بین جامعه شناسان و سیاسیون شناخته شده است. این شیوه اداره حکومت معتقد است که سیاست اداره حکومت باید مبتنی بر یک نظام ارزشی الهی همچون اسلام باشد که برای رسیدن به سعادت اخروی و دنیوی مردم را کنترل کند:

● شیوه‌ای دیگر از حکمرانی وجود دارد که با نام حکمرانی متعالی در بین جامعه شناسان و سیاسیون شناخته شده است. این شیوه اداره حکومت معتقد است که سیاست اداره حکومت باید مبتنی بر یک نظام ارزشی الهی همچون اسلام باشد که برای رسیدن به سعادت اخروی و دنیوی مردم را کنترل کند:

● شیوه‌ای دیگر از حکمرانی وجود دارد که با نام حکمرانی متعالی در بین جامعه شناسان و سیاسیون شناخته شده است. این شیوه اداره حکومت معتقد است که سیاست اداره حکومت باید مبتنی بر یک نظام ارزشی الهی همچون اسلام باشد که برای رسیدن به سعادت اخروی و دنیوی مردم را کنترل کند:

حکمرانی جمهوری اسلامی ایران

حکمرانی در اصطلاح اسلامی به معنای مدیریت صحیح و تدبیر امور جامعه برای اصلاح دنیا و آخرت مردم است انقلابی که در ایران رویداد، بدون شک در جهت آرمان‌های اسلامی بوده است که این مهم را در سخنان رهبر این انقلاب در سال ۵۷ می‌توان برداشت کرد.

حکمرانی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مفاهیم اسلامی نهادینه شده است که در جهت سعادت دنیوی و اخروی مردمان این مرز بوم است و قوانین تدوین شده مشتمل بر اقتصاد پویا و کارآمد، سیاستی نوین همراه با تعامل که مردم، خواهان این شیوه اداره حکومت می‌باشد، از سال ۵۷ تا کنون این حکومت داری با چالش‌های فراوانی رو به روشد که از آرمان‌ها و اهداف خود دور شد.

نکته حائز اهمیت این است که پایه ریزی رهبر انقلاب اسلامی ایران که مبتنی بر اسلام ناب محمدی است که بدون شک اشتباه نبوده زیرا مبانی اسلام چهارچوب‌های عقلانی را برای اداره حکومت بیان میکند، برای مثال: عدالت، آزادی، استقلال، مبارزه با فساد، مبارزه با فقر و... .

اقتصاد در حکمرانی اسلامی

نظام مالیاتی، نظام پولی، تولید، توزیع، اشتغال، عدالت و... محورهای اصلی اقتصاد کشور هستند که نیاز به بازبینی دارند تا بتوان موانع موجود را رصد و برطرف کرد.

وضعیت اقتصاد این روزهای کشور بسیار نابسامان است. بررسی دوباره و دقیق به صحت سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در این عرصه امری مهم و ضروری است که می‌توان، عوارض و موانع موجود در آن را بیابد و برای رفع این موانع راهکار ارائه دهد.

۱. حکمرانی در نظام مالیاتی:

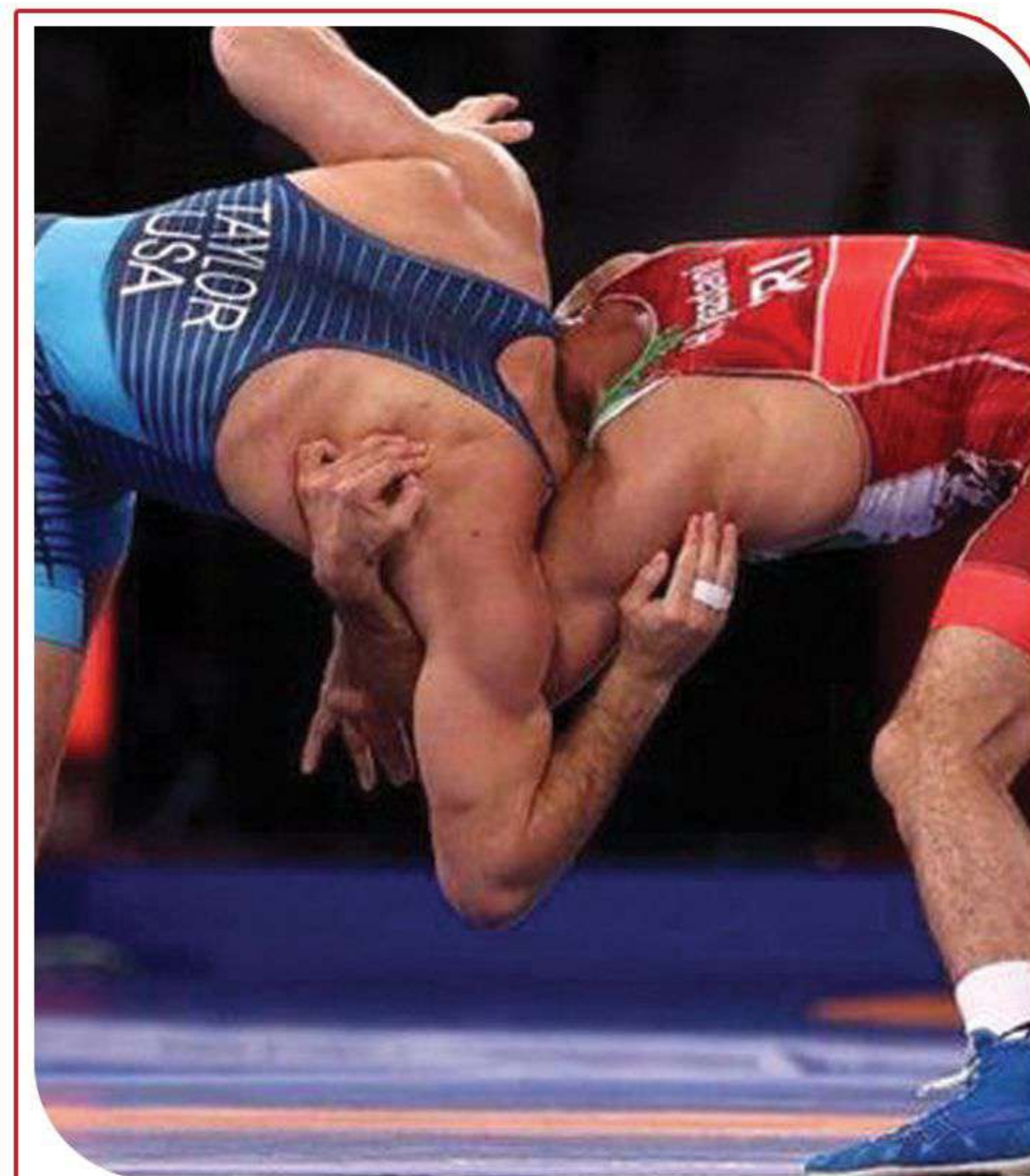
از مهم‌ترین بخش‌های منابع دولت می‌توان به منابع حاصل از فروش نفت و فرآورده‌های نفتی، درآمدهای مالیاتی، درآمدهای حاصل از مالکیت دولت و اشاره کرد؛ که در این بین در آمد متکی به نفت قابل اطمینان و همیشگی نیست، اما دریافت



#الحسین بجمعا



توصیه رهبر انقلاب به مسئولان نظام برای ارتباط با دانشجویان، که مغفول ماند. لاجرم خیابان‌ها تریبون موجود است، که آن را هم می‌خواهند بگیرند.



قهرمانی به طلا نیست... پهلوانان واقعی، همیشه قهرمان‌اند.

سیده کوثر هاشمی زاده

دبیر واحد خواران انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه شیراز
دانشجوی کارشناسی مهندسی کشاورزی

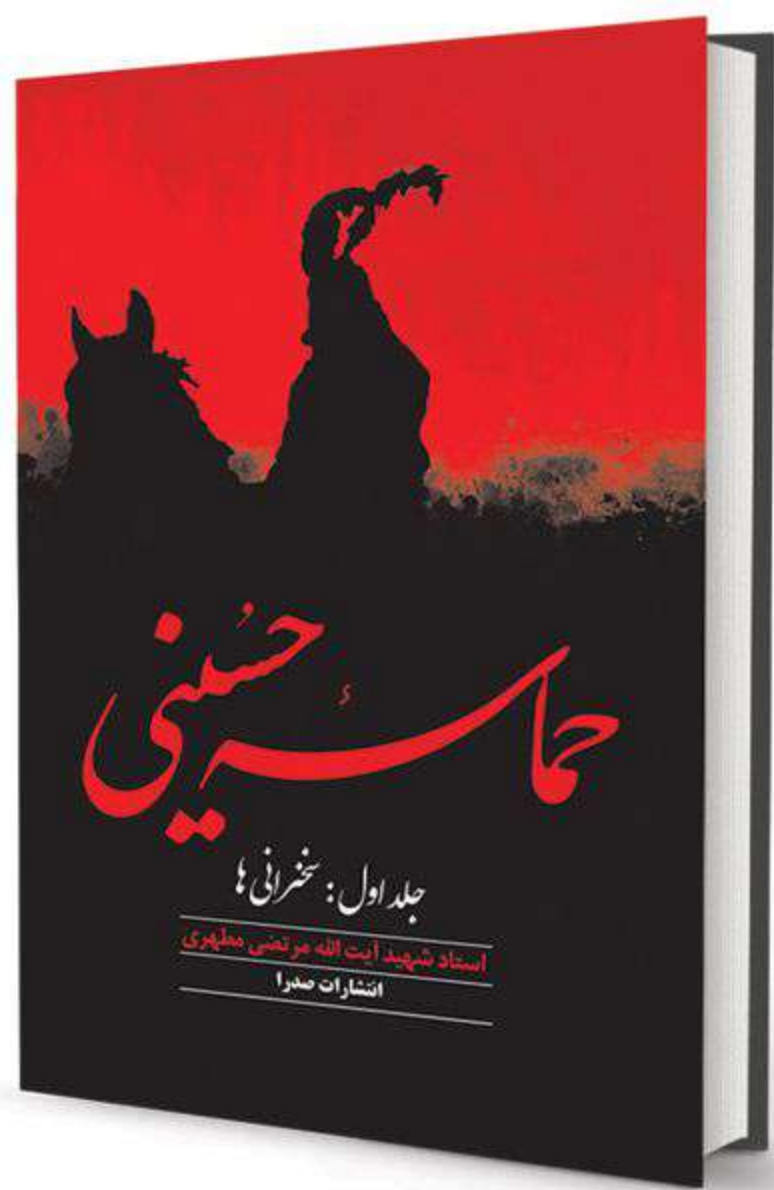


میگن رضا پالون برگشته

مدتهاست که زنان چادری در بسیاری مکان‌ها از آن حس امنیتی که باید برخوردار نیستند. اکنون اما وضعیت قرمز شده است. تا جایی که باید آژیر خطر روشن شود. مدتی است که از نگاه‌های طلبکارانه و سنگین و مزاحمت‌های خیابانی و لفظی گذر کرده ایم. در جامعه کنونی چادری ماندن بسیار سخت شده است. از حرف‌های ریز و درشت اطرافیان که چرا یک دقیقه چادر از سر بر نمی‌داری، از امل خطاب شدن، از شنیدن کنایه‌هایی شامل "چادری‌ها بدترند"، از نگاه‌های پر از کینه و نفرت، از خشم و غضب جماعتی کینه‌توز تا جایی که چادر از سرت بکشند. خشم و غضبی که شاید حاصل ۴۰ سال سیاه‌نمایی و شاید حاصل چماق به دست بودن جماعتی افراطی است که نتیجه‌ی هر دوی آن به وجود آمدن یک جسم پر از عقده با قلبی سیاه است. جسمی که از چادری و مذهبی متنفر است و منتظر تلنگری است تا بر سر او خراب شود. از نتیجه هر دوی این عامل نباید غافل شد. زمانی در مدارس ما دختران را به خاطر نپوشیدن چادر و اعمال معمول زنانه تا پای اخراج از مدرسه می‌کشاندند. از افراط برخی از ناظم‌ها و متنفر کردن حتی دختران مذهبی از حجاب و دین دیگر می‌گذریم. طبیعتاً هر مسلمانی ترجیح می‌دهد در مکانی زندگی کند که حداقلیات دین در آن رعایت شود. جایی که در آن نه فقط حجاب، بلکه شأن و منزلت زن نیز رعایت شود. در برخورد با این معضل دچار نوعی دوگانگی شده ایم که هیچکدام جوابگوی آن نیست. در گردهمایی‌ها و تظاهرات انقلابی بدحجاب‌ها را روی سرمان می‌گذاریم و در معابر عمومی آنها را با زبانمان نیش می‌زنیم. اما آیا در موقعیت کنونی، در وهله اول اولویت ما حجاب است؟ چند بار رهبری در سخنرانی‌هایشان به این موضوع باید اشاره کنند؟ این موضوع چقدر اهمیت دارد که کل بخش عظیمی از مردم و مسئولین باید معیشت و اقتصاد را رها کنند و بر سر اینکه آیا گشت ارشاد باشد یا نباشد بحث و جدال کنند؟ در موقعیتی که جمهوری اسلامی را به راحتی به دلیل وضعیت اقتصادی ضعیف و در اولویت قرار ندادن رسیدگی به رانت و پولشویی در میان مردم تضعیف می‌کنند، اولویت کدام است؟ اولویت قرار دادن اقتصاد به معنی رها کردن وضع فرهنگ و حجاب مردم نیست. نقد اصلی به درگیر کردن یک مملکت بر سر دعوی یک خانم محجبه و یک خانم بدحجاب در اتوبوس است. نقد اصلی بر سر تصویب بودجه‌های کلان برای فلان قرارگاه حجاب است، که تنها خروجی اش تشویق کردن زنان به روی آوردن به حجاب است چون با حجاب قشنگ تر می‌شوند. این داستان اما متفاوت است. زمانی رضا خان چادر از سر زنان میکشید. زمانی زن چادری جرعت بیرون آمدن از خانه را نداشت و اکنون در یک مملکت اسلامی نیز همان زن را با یک تذکر ساده بی‌آبرو می‌کنند. مادر و دختری که همسر و پدرشان را در راه دین، در راه حفظ کشور، در راه امنیت همین مردم از دست دادند. و باید خون‌گریست بر مظلومیت آن دو. آژیر خطر در اینجا باید روشن شود. نه به خاطر بدحجابی، نه به خاطر فساد. بلکه به خاطر نگاه‌های بی‌تفاوت. به خاطر مردمی که به جای خاتمه دادن به این معرکه، هیزم در آتش می‌ریزند و عاملین آن حادثه را تشویق می‌کنند. به اینان بی‌غیرت یا هر چه که می‌گویند، به خاطر این نوع نگاه باید آژیر خطر روشن شود. زمانی بهترین زمان، حسین(ع) و یارانش را به خون کشیدند و اهل بیتش را در غریبی و مظلومیت کامل به اسارت درآوردند. و ننگ بر آنان که این ظلم را دیدند و سکوت کردند و ننگ بر آنان که همپای آن ظالمین، اهل بیت امام را به خواری کشاندند. و بی‌شک آن لحظه انسانیت و آزادی‌مردم بوده. نگذاریم برای همیشه بمیرد...



معرفی کتاب



کتاب حماسه‌ی حسینی، اثری از استاد شهید مرتضی مطهری است که نخستین بار سال ۱۳۶۳ در سه جلد ارائه شد و پس از آن در سال ۱۳۷۷ به صورت دو جلدی روانه بازار شد. لازم به ذکر است که این کتاب حاصل دوران بعد از زندگی شهید مطهری است و خود او شخصاً این کتاب را منتشر نکرده است. کتاب حماسه حسینی به همت دوستداران و شاگردان او در انتشارات صدرا، سخنرانی‌ها و یادداشت‌های او که در رابطه با قیام امام حسین (ع) است را جمع‌آوری و به صورت کتاب چند جلدی درآوردند. یکی از نکات قابل توجه در این کتاب‌ها این است که دو جلد کتاب حماسه حسینی نه تنها به موضوعات پراکنده و متناقضی نمی‌پردازد، بلکه کاملاً مکمل یکدیگر و در راستای هم قرار دارند. جلد نخست شامل سخنرانی‌های شهید مطهری است که در طول پنج سال و در مکان‌های مختلفی وعظ شده‌اند، جلد دوم متون و یادداشت‌هایی از اوست که به صورت پیش‌نویس مقاله‌هایی بوده که هرگز به مرحله انتشار نرسیده بودند. کتاب حماسه‌ی حسینی درباره تحریفات که در طول زمان در روایت کربلا به وجود آمده، به طور قاطع صحبت می‌کند و خیلی از سخنرانان و مداحان معروف را زیر سوال می‌برد. او باورها و اعتقاداتی که مردم از سال‌ها پیش داشته‌اند را به چالش می‌کشد و از سر دلسوزی برای مردم و محبت و ارادت که به امام حسین (ع) داشته است، تلاش کرده تا معنا و ماهیت حقیقی قیام امام حسین را برای مخاطب بیان کرده و هر آنچه به ساحت این حضرت خدشه وارد می‌کند را از بین ببرد.



شناسنامه

گاهنامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه شیراز

مدیر مسئول: ابراهیم غمخوار

سردبیر: سید مهدی رجائی نسب

هیئت تحریریه:

علیرضا زارع، محمدهادی رضوی، فرهام حیاتی

محمدحسن مقتدری، حسین احمدی،

سیده کوثر هاشمی زاده، سیده زهرا سعادت،



@anjoman_eslami_shu2
www.anjomanshu.ir

